

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

به قلم جین مایر
نیویورکر – ۲۹ جنوری ۲۰۱۱
برگردان به فارسی از حمید بهشتی



عمر سلیمان کیست؟

<http://www.newyorker.com/online/blogs/newsdesk/2011/01/who-is-omar-suleiman.html>

عمر سلیمان نام تازه ایست که در رابطه با افرادی که استعداد جانشینی رئیس جمهور مصر حسنی مبارک را دارند مطرح می شود. نام وی البته برای کسانی که سیاست تحویل غیر رسمی افراد مشکوک به لحاظ تروریست به آمریکا را می شناسند، چندان هم تازه نیست. پس از آن که مبارک روز گذشته دولت خود را منحل نمود، سلیمان را به معاونت و در صورت ضرورت به جایگزینی خویش منصوب کرد. به گفته بسیاری از مفسران او حاضر است جانشین مبارک گشته و جایگزینی برای جمال مبارک، فرزند او که قرار بود وارث پدر باشد، گردد. سلیمان شخصیت آشنا و مهمی برای واشنگتن به شمار می رود. او مرد دنیا دیده ایست، اهل فرهنگ است، به روانی به انگلیسی سخن می گوید و سال ها میان واشنگتن و مبارک در نقش رابط اصلی فعال بوده است. در حالی که وی معروف است به سرسپردگی و کاری بودن، اما برای کسانی که به پاکدامنی به لحاظ حقوق بشر اهمیت قائل اند، مورد ایراد است. همانگونه که من در کتاب خود "The Dark Side" نوشته ام، سلیمان از ۱۹۹۳ رئیس سازمان امنیت وحشت انگیز مصر بوده است. وی در چارچوب این اداره برای سازمان سیا مسؤول مصری "تحویل" بوده است – "تحویل" راهکار محرمانه ایست که سازمان سیا برای آدم ربائی افراد مشکوک به تروریست در سراسر

گیتی و بازگشت آنها به مصر و سایر کشورها برای بازپرسی که تحت شرایط خشونت بار انجام می گرفت، اتخاذ کرده بود.

چنان که استفن گری Stephen Grey در کتاب خود "Ghost Plane" بیشتر شرح داده است، سلیمان از ۱۹۹۰ مستقیماً با مأموران درجه یک سازمان سیا در تعامل بوده، برای تحویل هر فرد میان پولیس مخفی امریکا و پولیس مخفی مصر در بالاترین سطوح توافق به عمل می آمد. بنا بر توضیحات ادوارد واکر Edward S. Walker Jr. که یکی از سفرای سابق امریکا در مصر بوده است، سلیمان "بسیار هوشیار و واقع بین" بوده و به خوبی می دانسته که "امورمذمومی که آنها، به لحاظ شکنجه و غیره، در مصر در آنها تشریک مساعی داشتند (دارای جهاتی تاریک بوده) و البته وی در انجام آن کارها تردیدی به خود راه نمی داده است".

بر طبق قوانین امریکا سازمان سیا در اصل می بایست از مصر تضمینی می گرفت که افراد مشکوکی را که تحویل آنها می شدند پیش تر شکنجه نکرده باشند. اما با مدیریت سلیمان بر سازمان های پولیس مخفی مصر اینگونه تضمینات کوچک ترین ارزشی نداشت. یکی از جاسوسان سابق سیا به نام میثائیل شوپر Michael Scheuer که در ایجاد راهکار تحویل همکاری داشته است، چندی بعد در مقابل کنگره امریکا شهادت داد: حتماً اگر "این تضمینات" را با مرگبی که غیر قابل پاک کردن هم می بود می نوشتند "ارزش آن کم تر از یک سطل آب دهان گرم" بود.

به روز شده: مدارک دیگری در باره نقش سلیمان در راهکار تحویل را در کتاب "The One Percent Doctrine" به قلم ران ساسکیند Run Suskind می توان یافت. کاترین هاوکینز Katherine Hawkins که وکیل دادگستری تیزبینی می باشد و تحقیقات حقوقی کتاب مرا بر عهده داشت به نقل از ساسکیند گوشزد نمود که سلیمان رابط راهکار تحویل در مورد فردی بود به نام ابن شیخ اللیبی Ibn Sheikh al-Libi که به لحاظ القاعده مشکوک بوده است. مورد "الیبی" بسیار مناقشه انگیز است، زیرا او نقش اساسی را در به دست دادن دلایل حمله به عراق داشته است.

در پایان نوامبر سال ۲۰۰۱ مأموران دولتی در پاکستان لیبی را دستگیر و برای بازجویی تحویل مأمورین امریکائی در پایگاه هوایی بگرام در افغانستان دادند. وی آنجا توسط دو مأمور اف بی آی از نیویورک که تجربه بسیاری در مقابله با تروریست ها داشتند مورد بازجویی قرار گرفت. آنها مطمئن بودند که به پیشرفت هائی در این زمینه دست یافته و اطلاعات ارزشمندی را از "الیبی" کسب خواهند نمود. اما هنگامی که آنها به واشنگتن بازگشتند بین اف بی آی و سازمان سیا جدالی بر سر این موضوع در گرفت که کدامیک از این دو سازمان برای بازجویی آن شخص مناسب تر است. به نوشته ساسکیند:

دعوا در مراحل اداری به اوج خود رسید و حتماً رؤسای سیا و اف بی آی جرج تانت George Tenet و روبرت مولر Robert Mueller نیز نتوانستند راه حلی بیابند. تا اینکه بوش و چنی پا در میان نهاده و موضوع به سود تانت(سیا) پایان یافت. دست و پای اللیبی را بسته، وی را چشم بسته تحویل قاهره و به دست عمر سلیمان رئیس پولیس مخفی مصر که دوست شخصی "تانت" می باشد سپردند.

آنچه بر سر "الیبی" به هنگام بازجویی توسط پولیس مخفی مصر آورده شد، در یک گزارش غیرحزبی از جانب یک کمیسیون ویژه سنای امریکا منتشر و جزء به جزء مستند گردید. چنان که در این گزارش آمده است لیبی بعدها به سازمان سیا اظهار داشته است که مأموران مصری روز به روز از نتیجه همکاری او ناراضی تر می شدند. به

همین جهت نیز وی را ۸۰ ساعت تمام در داخل یک جعبه کوچک حبس کردند. سپس وی را بیرون آورده بر زمین افکندند و ۱۵ دقیقه زیر کتک گرفتند. مأمورین مصری او را که شخصا بن لادن را می شناخته است تحت فشار قرار دادند تا ادعای دولت بوش را که میان القاعده و صدام حسین ارتباطاتی وجود داشته است، تأیید نماید. مصری ها بیش از همه می خواستند از لیبی برای این موضوع گواهی کسب نمایند که عراقی ها به القاعده تسلیحات شیمیائی و بیولوژیک داده اند. با دنبال نمودن شدید این خط در تحقیقات، گوئی مصریان با تقاضای امریکا که به دنبال بهانه ای برای جنگ با عراق بوده اند، همراهی می کردند. تا اینکه بالاخره "لیبی" زیر فشار مجبور به تسلیم می شود. آنگاه جزئیات اقرار وی در سخنانی که وزیر امور خارجه وقت امریکا کالین پاول در مقابل سازمان ملل متحد در فیروزی سال ۲۰۰۳ ایراد و از حمله به عراق حمایت نمود، منعکس گشت.

اما در حالیکه سالها پس از حمله امریکا به عراق هنوز هیچگونه تسلیحات جمعی یا مدرکی حاکی از ارتباط میان بن لادن و صدام حسین یافت نشده بود، لیبی اقرارهای خویش را لغو نمود. پس از آن هنگامیکه اف بی آی از وی پرسش نمود چرا او دروغ گفته بود، وی خود را بی تقصیر و دلیل آن را خشونت پولیس مخفی مصر دانست. میسائیل ایسیکف Michael Isikoff و داوید کورن David Corn اولین کسانی بودند که در کتاب خود "Hubris" از زبان لیبی چنین نقل قول کردند: "آنها داشتند مرا می کشتند و من مجبور بودم چیزی به آنها بگویم".

تذکر از جانب تلاکسکالا: لیبی را بعدها در سلولش "مرده یافتند". در ظاهر وی "خودکشی" کرده بود...